بازاندیشی فقهی نسبت به جهاد ابتدایی در پرتوی نظریه کرامت ذاتی و اکتسابی

محمد دهقانی شورکی (نویسنده مسئول)

دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم و کارشناسی ارشد موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

mdsh199296@gmail.com

سید محمد مهدی هاشمی

استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم

علی عوض پور کشکولی

دانش‌آموخته‌ی سطح ۳ مدرسه عالی فقهی علی بن موسی الرضا حوزه علمیه قم

چکیده

مسئله تعارض مُحتَمَل میان ادله جهاد ابتدایی و کرامت انسانی با تأکید بر مقتضای آزادی عقیده از پرسش‌های بحث‌برانگیز فقه سیاسی است. این پژوهش، با روشی تحلیلی-اجتهادی و با تکیه بر منابع فقه امامیه، در پی آن است تا با صورتبندی این تعارض به مثابه یک مسئله اصولی، راه‌های جمع میان این دو دسته ادله را واکاوی کند. یافته‌ها نشان می‌دهد با تفکیک کرامت ذاتی (اقتضایی) از اکتسابی (خاص)، محل نزاع عمدتاً در تقابل جهاد ابتدایی با آزادی عقیده به عنوان لازمه کرامت ذاتی است. در این راستا، سه نوع جمع «تخصیص»، «حکومت» و «اعمال قواعد تعارض مستقر» تحلیل و سنجش شد. در نهایت، تقریر مختار، نفی قاعده‌انگاری کرامت و اصالت نصوص صریح جهاد ابتدایی است و نفی بنیادین هرگونه تعارضی است اما رویکرد سوم نیز به عنوان راه‌حلی منسجم در صورت عدم پذیرش جمع‌های عرفی بیان شده توسط نگارنده ترجیح داده می‌شود؛ رویکردی که در چارچوب فقه امامیه، قابل تبیین بوده و می‌تواند مبنایی برای تنظیم روابط با جوامع غیرمسلمان فراهم آورد.

کلیدواژه : جهاد ابتدایی، کرامت انسانی، آزادی عقیده، قاعده عدالت، نفی تنفیر، جنگ.

نسخه پیش انتشار

۱ مقدمه

جهاد ابتدایی در فقه شیعه، حکمی مهم در منظومه حقوقی و سیاسی اسلام است که با هدف دعوت به توحید تشریع شده و در عصر حضور معصوم (ع) تحت ولایت ایشان اجرا می‌شد؛ اما مشروعیت آن در عصر غیبت محل اختلاف فقهاست. برخی آن را مختص امام معصوم و برخی دیگر، با استناد به ادله ولایت فقیه، تحت شرایطی جایز می‌دانند. در مقابل، کرامت انسانی در گفتمان معاصر اخلاق و حقوق، مبنایی برای حمایت از حقوق و آزادی‌های انسان تلقی می‌شود. ازاین‌رو، جهاد ابتدایی، به‌ویژه اگر متوجه همه غیرمسلمانان باشد، ممکن است با کرامت ذاتی و آزادی عقیده در تعارض به نظر رسد؛ حال آنکه محدود دانستن مخاطبان آن به سران سلطه و مانعان هدایت، می‌تواند این تعارض را کاهش دهد. همچنین، تمایز فقهی میان اهل کتاب، برخوردار از امکان پرداخت جزیه، و مشرکان، پرسش‌هایی درباره سازگاری احکام جهاد با کرامت برابر انسان‌ها برمی‌انگیزد.

نوآوری پژوهش حاضر، صورت‌بندی نسبت جهاد ابتدایی و کرامت انسانی در چارچوب اصول فقه، با تمرکز بر تعارض ادلّه و قواعد تعادل و تراجیح است. مقاله سه رویکرد بدیل برای جمع عرفی میان این ادلّه را تحلیل می‌کند تا چارچوبی روشمند، مبتنی بر فقه شیعه و پاسخ‌گو به چالش‌های معاصر ارائه دهد.

۱/۱ پیشینه‌ی پژوهش

بررسی مستقل و نظام‌مند نسبت جهاد ابتدایی و کرامت انسانی در فقه شیعه کمتر انجام شده است؛ پژوهش‌های مرتبط در دو محور جای می‌گیرند: امکان و ماهیت جهاد ابتدایی در عصر حاضر، و مفهوم و مبانی کرامت انسانی. در محور نخست، امام خمینی، مقام معظم رهبری، آیت‌الله سبحانی و آیت‌الله مکارم شیرازی دیدگاه‌های متفاوتی درباره اجرای جهاد ابتدایی در عصر غیبت و شرایط آن ارائه کرده‌اند. همچنین، فیاض و جعفرپیشه با تأکید بر چالش میان دیدگاه مشهور فقهی درباره جهاد ابتدایی و اصولی چون نفی اکراه در دین، بر ضرورت قرائت دفاعی از جهاد برای کاهش این تعارض‌ها تأکید دارند.[۱] همچنین، رحیم دهقانی سیمکانی جهاد ابتدایی را مبارزه با بی‌اخلاقی و پیمان‌شکنی تفسیر کرده[۲] و فهیمه فرهمند و علی‌اصغر شاهسون با تحلیل تاریخی، ماهیت جنگ‌های پیامبر (ص) را دفاعی و صلح‌طلبانه دانسته‌اند.[۳] اخوت و دهقانی فیروزآبادی با رویکردی تاریخی-اجتماعی، ریشه‌های عقلایی جهاد ابتدایی را در عرف عرب پیش از اسلام جستجو کرده و نشان داده‌اند که اسلام با اصلاح مفهوم «ولاء» از وابستگی قبیله‌ای به پیوندی ایمانی و توحیدی، جهاد ابتدایی را در چارچوبی اخلاقی و الهی بازتعریف کرده است.[٤] از سوی دیگر، محمدتقی فخلعی با نقد مبانی دریافت مشهور فقهی در باب جهاد دعوت، آن را مبتنی بر تمسک به اطلاقات و فربه ساختن دعاوی نسخ دانسته و بر ضرورت قرائت فقهی نوین تأکید کرده است که با دریافت مشهور مغایر است.[٥] همچنین، محمدجواد جاوید و علی محمددوست در مقاله «حقوق بشر و جهاد ابتدایی در اسلام معاصر»، بر لزوم انطباق جهاد با موازین حقوق بشری تأکید ورزیده‌اند.[٦]

---

[۱] فیاض و جعفرپیشه، «تأملی بر نسبت جهاد ابتدایی و تبلیغ دین»، ۱۲۳.

[۲] دهقانی سیمکانی، «اخلاق‌محوری یا باورمحوری؟ تحلیلی انتقادی از حکمت جهاد ابتدایی»، ۱۲۳.

[۳] فرهمند و شاهسون، «غزوات پیامبر اسلام (ص): تحلیل تاریخی بر مبنای صلح‌طلبی و عدالت»، ۱۰٤.

[٤] اخوت و دهقانی فیروزآبادی، «ریشه‌های عقلایی جهاد ابتدایی در زندگی عرفی عرب پیش از اسلام و بازتاب آن در قرآن کریم»، ۱۷۵.

[٥] فخلعی، «تأملی درباره جهاد ابتدایی دعوت»، ۲۹.

[٦] جاوید و محمددوست، «حقوق بشر و جهاد ابتدایی در اسلام معاصر»، ۱۵۳.

در حوزه کرامت انسانی نیز آثار متعددی نگاشته شده است. محمد حکیمی در کتاب «امام رضا (ع) و کرامت انسانی»، با استفاده از مبانی قرآنی و روایی، ارزش والای کرامت انسانی را در گفتار و رفتار اهل بیت (ع) به تصویر کشیده است.[۷] حمید زویری در کتاب خود، مفهوم، گونه‌ها و خاستگاه کرامت انسانی را در قرآن و روایات بررسی کرده و جلوه‌ها و معیارهای این اصل را تبیین کرده است.[۸] در پژوهش‌های متأخر، محققانی چون شیرین‌کار موحد، قاسم‌پور و عباسی‌مقدم با بررسی تفاوت‌های نگرش محدود و موسع به کرامت انسانی، تأثیر این تفاوت‌ها را بر تفسیر گزاره‌های جهادی تحلیل کرده‌اند.[۹] عظیمی طرقدری و شریعتی نیز جنگ‌هایی را مشروع دانسته‌اند که در راستای تحقق کرامت انسانی و مقابله با ظلم باشند.[۱۰] ذوقی نیز تأکید کرده است که جهاد، ابزاری برای تحقق و حفاظت از کرامت انسانی است.[۱۱] در سطح فلسفی نیز، آیت‌الله جوادی آملی در کتاب «فلسفه حقوق بشر» با تبیین جهان‌بینی توحیدی و پیوند انسان با جهان، به بررسی مبدأ فاعلی و غایی حقوق بشر، تفاوت طبیعت و فطرت، و مرجع تعیین حدود آزادی انسان پرداخته است. همچنین با نقد مبانی و اهداف حقوق در دو مکتب حقوق طبیعی و پوزیتیویستی، تبیین شده است که از نظر مکتب حقوقی اسلام «اراده تشریعی خداوند» مبنای اصلی حقوق و «عدالت نظم‌آفرین» هدف آن است. [۱۲]در حوزه کرامت انسانی، حسین حقیقت‌پور و همکارانش در کتاب «کرامت انسان در فقه و حقوق اسلامی»[۱۳] به بررسی نظام‌مند جایگاه کرامت انسان در فقه و حقوق اسلامی پرداخته و کرامت انسانی، الهی و عرفی را تفکیک کرده‌اند. همچنین حقیقت‌پور و ناصری مقدم در مقاله «جایگاه کرامت انسان در فرایند استنباط احکام»[۱۴] نشان داده‌اند که «صیانت کرامت انسان» می‌تواند به عنوان یکی از مقاصد عام شریعت در کانون یک قاعده فقهی قرار گیرد. در همین راستا، وزیری و عابدی در مقاله «ساخت قاعده فقهی کرامت»[۱۵] با بررسی مبانی کرامت، قاعده «کل انسان کریم الا ما خرج بالدلیل» را صورت‌بندی کرده و آثار آن را تحلیل کرده‌اند.

با وجود بررسی پراکنده ابعاد جهاد ابتدایی و کرامت انسانی در پژوهش‌های پیشین، حل اصولی تعارض ادلّه این دو مفهوم با ارائه جمع عرفی همچنان مغفول است. نوآوری این مقاله، صورت‌بندی مسئله در چارچوب تعارض ادلّه و قواعد تعادل و تراجیح و تحلیل سه رویکرد بدیل برای جمع عرفی آن‌هاست. پژوهش می‌کوشد با اتکا به مبانی فقه شیعه، چارچوبی روشمند برای بررسی سازگاری جهاد ابتدایی با کرامت انسانی ارائه کند. مقاله ابتدا مفاهیم و محل نزاع را تبیین می‌کند، سپس سه رویکرد را بررسی و نقد کرده و در پایان، رویکرد برگزیده را استدلال می‌کند.

---

[۷] حکیمی، امام رضا (ع) و کرامت انسانی، ۵۲.

[۸] زویری، کرامت انسان از منظر آیات و روایات.

[۹] شیرین‌کار موحد، قاسم‌پور و عباسی‌مقدم، «نگرش محدود و موسع به کرامت انسانی و تأثیر آن بر گزاره‌های جهادی»، ٦٥.

[۱۰] عظیمی طرقدری و شریعتی، «کرامت انسانی و مشروعیت جنگ»، ۱۱۱.

[۱۱] ذوقی، «جهاد و کرامت انسانی»، ۷۵.

[۱۲] عبدالله جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر.

[۱۳] حقیقت‌پور، حائری و علی‌اکبری بابوکانی، کرامت انسان در فقه و حقوق اسلامی، ٤٥.

[۱۴] حقیقت‌پور و ناصری مقدم، «جایگاه کرامت انسان در فرایند استنباط احکام»، ۳۰.

[۱۵] وزیری و عابدی، «ساخت قاعده فقهی کرامت»، ١٤٥.

۱/۱/۱ روش‌شناسی

این پژوهش با رویکردی اسنادی و تحلیلی انجام شده است. در مرحله‌ی جمع‌آوری داده‌ها، منابع معتبر فقهی، تفسیری و کلامی شیعه، مقالات علمی، و پژوهش‌های مرتبط مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سپس، با تحلیل محتوای کیفی، مفاهیم کلیدی استخراج و تحلیل تطبیقی میان جهاد ابتدایی و کرامت انسانی صورت گرفته است.

۲ تعریف جهاد ابتدایی

اغلب فقهای شیعه خصوصاً متقدمین، مفهوم جهاد ابتدایی را تعریف نکرده‌اند، شاید به این دلیل که مفهوم آن برای آن ها واضح بوده است .[۱۶] گرچه برخی فقیهان تقسیم چهارگانه[۱۷] یا پنج گانه ای[۱۸] مطرح کرده اند اما در تقسیم‌بندی معروف و رایج، فقیهان با توجه به منشأ جنگ، آن را به دو دسته جهاد ابتدایی و دفاعی تقسیم کرده‌اند، با این حال، منابع نشان می‌دهند که تقسیم جهاد به **ابتدایی** و **دفاعی** مورد پذیرش بوده و این تقسیم‌بندی تصریحاً یا تلویحاً در کلمات اکثر فقها وجود داشته است. برای مثال، ابوالصالح در الکافی، ابن ادریس در السرائر، حلبی در الإشارة، محقق در الشرائع و علّامه در کتب خود به این تقسیم اشاره کرده‌اند.[۱۹] با توجه به این تقسیم بندی و تبیین جهاد دفاعی و به قرینه مقابله، مفهوم جهاد ابتدایی نیز تلویحاً مبین می گردد. همان طور که از نام عناوین جهاد و دفاع مشخص است که این فعالیت تلاشی مجاهدانه و مضاعف مقابل تهاجم دشمن است، معلوم می گردد جهاد دفاعی تلاش مجاهدانه ای است که در مقابل هجوم دشمن نباشد و برای اغراض دیگری مانند برافراشتن اسلام و شعائر الهی و دعوت دیگران به دین انجام می پذیرد.[۲۰]

بر اساس منابع متأخر و شروح فقهی، جهاد ابتدایی عمدتاً به مثابهٔ قتالی تعریف می‌شود که مسلمانان آغازگر آن بوده و هدف محوری آن نه دفع تهاجم، بلکه دعوت کافران و مشرکان به اسلام است. در برخی تعاریف، بر جنبهٔ هنجاری این مفهوم تأکید شده و آن را «دعوت به اسلام در غیاب هرگونه تجاوز یا بیم حمله»[۲۱] دانسته‌اند و در برخی دیگر، بر وجه ساختاری و اغتنامی آن، یعنی «آغازگری مسلمانان بدون وجود عنصر دفاع».[۲۲] به‌طور مشخص، ماهیت این جهاد، «مقاتلهٔ کفار ابتداءً پس از دعوت ایشان، بدون جنبهٔ دفاعی»[۲۳] تلقی می‌گردد و در برابر آن، دفاع – اعم از دفاع از نفس، مال یا حریم – خارج از حوزهٔ جهاد مصطلح قرار می‌گیرد، هرچند قتال با مهاجمان یا باغیان می‌تواند به آن ملحق شود. ازاین‌رو، تمایز بنیادین جهاد ابتدایی با دفاع، در «غایت دعوتگرایانه» و «ساختار آغازگرانهٔ» آن نهفته است.[۲۴]

---

[۱۶] نجفی، جواهر الکلام، ۳۸/۲۲

[۱۷] شهید ثانی، الروضهٔ البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ۳۷۹/۲.

[۱۸] کاشف‌الغطاء، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعهٔ الغراء، ۲۸۷/٤–۲۸۹.

[۱۹] سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسیله–ولایه الفقیه، ۱۱۳/۱.

[۲۰] کلانتر، حاشیه الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ۳۸۱/۲.

[۲۱] مؤمن قمّی، کلمات سدیدهٔ فی مسائل جدیدهٔ، ص۳۱۷.

[۲۲] کلانتر، حاشیه الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ۳۸۱/۲.

[۲۳] بهجت گیلانی فومنی، جامع المسائل (بهجت)، ۳٦۸/۲.

[۲٤] جمعی از پژوهشگران، معجم فقه الجواهر، ۲۱۵/۲.

محمدتقی مصباح یزدی، از فیلسوفان و فقهای برجسته معاصر شیعه، جهاد ابتدایی را از ضروریات فقه اسلامی دانسته و تأکید دارد که مشروعیت آن مورد اتفاق فقهای شیعه و اهل سنت است.[۲۵] بر اساس نظر مشهور فقها، جهاد ابتدایی واجب کفایی است و بیشتر فقهای شیعه، به‌ویژه فقهای سده‌های نخست قمری، بر وجوب آن نسبت به کفار و گروه‌هایی از اهل کتاب که پرداخت جزیه یا زندگی تحت قوانین اسلامی را نمی‌پذیرند، تأکید داشته‌اند.[۲۶] از این منظر، جهاد ابتدایی ابزاری برای حفظ حاکمیت دینی و گسترش عدالت اجتماعی در جوامع غیرمسلمان محسوب می‌شود.[۲۷] دیدگاه‌های متفاوتی درباره جهاد ابتدایی در میان اندیشمندان معاصر اسلامی وجود دارد. آیت‌الله مکارم شیرازی بر این باور است که جهادهای صدر اسلام عمدتاً ماهیتی دفاعی داشته و با هدف نجات مظلومان و رفع موانع تبلیغ اسلام انجام شده است.[۲۸] در مقابل، محمدتقی مصباح یزدی با انتقاد از این رویکرد، معتقد است که دفاعی‌دانستن تمام جنگ‌های اسلام تلاشی برای انطباق با ارزش‌های مدرن مانند آزادی‌خواهی و لیبرالیسم بوده و این امر، ماهیت تاریخی و واقعی جهاد ابتدایی را نادیده می‌گیرد.[۲۹] این اختلاف‌نظرها حاکی از پیچیدگی‌های مرتبط با برداشت‌های مختلف از جهاد ابتدایی در بسترهای متفاوت تاریخی و اجتماعی است.

۲/۱ ماهیت و الزامات

بر اساس نظر مشهور، حضور و اذن امام معصوم شرط قطعی جهاد ابتدایی است. فقهایی همچون شیخ طوسی،[۳۰] ابن‌براج،[۳۱] ابن‌ادریس،[۳۲] محقق حلی،[۳۳] علامه حلی،[۳۴] شهید ثانی[۳۵] و صاحب جواهر[۳۶] بر این شرط تأکید داشته‌اند.[۳۷] این دیدگاه بر این اصل استوار است که نیابت عام فقها در عصر غیبت شامل اجازه برای جهاد ابتدایی نمی‌شود. در مقابل، برخی از فقها، از جمله شیخ مفید،[۳۸] ابوالصلاح حلبی[۳۹] و سلار دیلمی،[۴۰] شرط حضور امام معصوم را نپذیرفته‌اند و جهاد ابتدایی را در عصر غیبت نیز جایز دانسته‌اند.[۴۱] این دیدگاه بر اساس شواهد قرآنی و روایی به تفسیر واژه «امام عادل» در احادیث جهاد پرداخته و معتقد است که این

---

[۲۵] مصباح یزدی، *جنگ و جهاد در قرآن*، ۱۳۹.

[۲۶] انصاری، *الموسوعة الفقهیة المیسره*، ۲٤/٤.

[۲۷] بهرامی، *نظام سیاسی اجتماعی اسلام*، ۱۳۹–۱٤۱.

[۲۸] منتظری، *حکومت دینی و حقوق انسان*، ٦۰.

[۲۹] مصباح یزدی، *اخلاق در قرآن*، ٤۰۸/۳.

[۳۰] شیخ طوسی، *المبسوط فی فقه الإمامیة*، ۸/۲.

[۳۱] ابن‌براج، *المهذب*، ۲۹٦/۱.

[۳۲] ابن‌ادریس، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، ۳/۲.

[۳۳] محقق حلی، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ۲۷۸/۱.

[۳٤] علامه حلی، *تذکرة الفقهاء*، ۱۹/۹.

[۳۵] شهید ثانی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، ۳۸۱/۲.

[۳٦] نجفی، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ۱۱/۲۱.

[۳۷] شیخ طوسی، *المبسوط فی فقه الإمامیة*، ۸/۲. ابن‌براج، *المهذب*، ۲۹٦/۱. ابن‌ادریس، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، ۳/۲. محقق حلی، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ۲۷۸/۱. علامه حلی، *تذکرة الفقهاء*، ۱۹/۹. شهید ثانی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، ۳۸۱/۲. نجفی، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ۱۱/۲۱.

[۳۸] شیخ مفید، *المقنعة*، ۸۱۰.

[۳۹] ابوالصلاح حلبی، *الکافی فی الفقه*، ۲٤٦.

[٤۰] سلار دیلمی، *المراسم فی الفقه الإمامی*، ۲٦۱.

[٤۱] شیخ مفید، *المقنعة*، ۸۱۰. ابوالصلاح حلبی، *الکافی فی الفقه*، ۲٤٦. سلار دیلمی، *المراسم فی الفقه الإمامی*، ۲٦۱.

تعبیر به معنای امام معصوم نیست.[۴۲] برخی فقهای معاصر همچون سید ابوالقاسم خویی، سید علی خامنه‌ای، حسینعلی منتظری و محمد مؤمن، شرط حضور امام معصوم را برای جهاد ابتدایی اثبات‌ناپذیر می‌دانند. آنان معتقدند در صورت فراهم بودن شرایط، جهاد ابتدایی در زمان غیبت نیز واجب است.[۴۳]

علاوه بر اشتراط حضور امام معصوم به‌عنوان یکی از شروط اصلی جهاد ابتدایی، دو شرط دیگر نیز در آرای فقهای شیعه مورد تأکید قرار گرفته است: نخست، برخورداری مسلمانان از قدرت کافی برای آغاز و اداره جنگ، که بر توانمندی نظامی و آمادگی برای مقابله با دشمنان دلالت دارد،[۴۴] و دوم، دعوت کفار به اسلام و اتمام حجت پیش از شروع جنگ، که نشان‌دهنده لزوم پیش‌شرط‌های اخلاقی و عقلانی در آغاز نبرد است.[۴۵] این شروط علاوه بر تأکید بر مشروعیت جهاد، به نظم و اصول‌گرایی در جنگ نیز اشاره دارند.

۳ تعریف کرامت

کرامت به معنای عزت، شرافت[۴۶] و گرامی‌بودن[۴۷] و کریم به معنای گرامی، عزیز و برگزیده[۴۸] است. برابر کرامت، لئامت به معنای پستی است.[۴۹] کرامت انسان در اصطلاح دینی فضیلت و شرافتی است که او را از دیگر آفریده‌ها متمایز می‌کند.[۵۰] از واژه‌های مرتبط با کرامت، عزت، شرافت و تفضیل است. عزت به معنای قوت و غلبه[۵۱] و عزیز به معنای غالب و قدرتمندی است که در فعل او ضعف و مانعی از انجام وجود ندارد.[۵۲] شرافت به معنای کرامت[۵۳] و بزرگی[۵۴] است و تفضیل به معنای برتری بر غیر است. در تکریم، مقایسه وجود ندارد و تنها شرافت شخص مورد نظر است؛ اما در تفضیل، برتری شخص بر دیگران مد نظر است که در اصل عطا با او مشترک هستند.

۴ نظریه های مختلف در کرامت

در میان عالمان مسلمان، دو دیدگاه درباره کرامت انسان وجود دارد: کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی. علامه طباطبائی، فضل‌الله و ابن‌عاشور، با استناد به اطلاق آیه ۷۰ سوره اسراء، کرامت را ذاتی و شامل همه انسان‌ها می‌دانند. از نظر آنان، عقل و اراده از ویژگی‌های

---

[۴۲] جاوید، «حقوق بشر معاصر و جهاد ابتدایی در اسلام معاصر»، ۱۲۷–۱۲۹.

[۴۳] خویی، *منهاج الصالحین*، ۳٦٤/۱. خامنه‌ای، *رساله‌ی آموزشی*، ۳۲۲/۱. منتظری، *دراسات فی ولایة الفقیه*، ۱۱٦/۱–۱۱۹. مؤمن، «جهاد ابتدایی در عصر غیبت»، ۵۱.

[۴۴] شیخ طوسی، *المبسوط فی فقه الإمامیة*، ۸/۲. محقق حلی، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ۲۷۸/۱.

[۴۵] علامه حلی، *تذکرة الفقهاء*، ۱۹/۹. شهید ثانی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، ۳۸۱/۲.

[۴٦] زبیدی، *تاج العروس من جواهر القاموس* .بی‌تا. ابن منظور، *لسان العرب*. طریحی، *مجمع البحرین* .بی‌تا.

[۴۷] ابن‌منظور، لسان العرب، ۵۱۰/۱۲ ـ ۵۱۱.

[۴۸] طریحی، مجمع البحرین، ۱۵۲/٦.

[۴۹] طریحی، مجمع البحرین، ۱۵۳/٦.

[۵۰] کاشانی، تأویلات، ۳۸۳/۱؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۵٦/۱۳؛ امام‌خمینی، حدیث جنود، ۱۴۰ ـ ۱۴۱.

[۵۱] جوهری، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه، ۸۸٦/۳.

[۵۲] طوسی، التبیان، ۳۲۹/۵؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، ۲٦۴/۲.

[۵۳] زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۹۸/۱۲.

[۵۴] مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار(ع)، ۱۲۰/٦۸.

متمایزکننده انسان است. طباطبائی تأکید می‌کند که این امتیاز به مسلمانان اختصاص ندارد؛ زیرا آیه همه انسان‌ها را دربرمی‌گیرد.[۵۵] آفرینش ویژه انسان، برخورداری از روح الهی، تسخیر موجودات برای او، خلافت الهی و هدایت از طریق پیامبران نیز از مستندات این دیدگاه‌اند.[۵۶]

در مقابل، شیخ طوسی و زمخشری، قابلیت‌های انسانی را زمینه کسب کرامت می‌دانند و تقوا و ایمان را معیار آن می‌شمارند؛ ازاین‌رو، رفتار ناشایست می‌تواند موجب زوال این برتری شود.[۵۷] محمدتقی جعفری این نوع را «کرامت ارزشی» می‌نامد و ارزش نهایی انسان را به کرامت اکتسابی وابسته می‌داند. جوادی آملی و مصباح یزدی نیز از این دیدگاه دفاع می‌کنند.[۵۸] امام خمینی مفهوم «کرامت مطلقه» را در کنار دو مفهوم دیگر مطرح کرده و همه موجودات مادی و معنوی را آیات الهی و بهره‌مند از کرم وجود مطلق می‌داند.[۵۹] ایشان این مبانی را به عرفان، فلسفه و اخلاق محدود نمی‌کند، بلکه برای آن‌ها آثار فقهی و اصولی قائل است؛ ازجمله وجوب حفظ نفس محترمه، چنان‌که در صورت احتمال هلاکت فرد بر اثر استفاده از آب برای وضو، تیمم واجب می‌شود.[۶۰]

پذیرش هر یک از این دیدگاه‌ها آثار متفاوتی بر دانش فقه دارد. معرفت معتقد است بسیاری از فتاوا با لحاظ کرامت ذاتی شکل گرفته‌اند؛ برای نمونه، حتی در صورت ناامیدی پزشکان از بهبودی بیمارِ در کما، کرامت انسانی مانع پایان دادن به حیات اوست.[۶۱] برخی فقهای معاصر نیز کرامت را قاعده‌ای عام و ابزاری روش‌شناختی برای حل مسائل نوپدید فقهی می‌دانند. بر این اساس، برابری دیه و قصاص مسلمان و غیرمسلمان و حرمت غیبت غیرمسلمانان از جمله احکامی است که به کرامت ذاتی همه انسان‌ها مستند شده‌اند؛ امری که تأثیر این اصل بر احکام حقوقی و جزایی را نشان می‌دهد.[۶۲]

۵ ارتباط جهاد ابتدایی و کرامت انسانی

جهاد و کرامت در نگاه نخست، متعارض می‌نمایند؛ زیرا اولی با تکلیف‌گرایی و دومی با حق حیات و حرمت ذاتی انسان پیوند دارد. با تفکیک کرامت ذاتی و اکتسابی، تعارض احتمالی به کرامت ذاتی و لوازم آن، از جمله آزادی عقیده و انتخاب دین، محدود می‌شود. جمع‌های عرفی این پژوهش، نقل اقوال فقها نیستند، بلکه تقریرهایی تحلیلی-اجتهادی بر پایه ترکیب مبانی جهاد)توسعی/مضیق (و کرامت (حداقلی/حداکثری)اند که در سه صورت‌بندی بازتاب یافته‌اند .بنابراین، نوآوری پژوهش در صورت‌بندی نسبت منطقی این مبانی و نتایج آن‌ها در چارچوب نظریه‌پردازی فقهی است، نه گزارش اقوال موجود.

۶ جمع اول؛ شیوهٔ «تخصص» یا «کشف محدودیت موضوع ادله‌ی جهاد و کرامت»

یکی از تقریراتی که در مقام جمع میان ادله‌ی جهاد ابتدایی و اصل کرامت انسانی مطرح شده است، بر عدم تنافی و تعارض ذاتی میان این دو آموزه تأکید دارد. در این دیدگاه، اساساً جهاد ابتدایی و کرامت انسانی به‌عنوان دو مفهوم اسلامی، در تقابل یا تزاحم قرار

---

[۵۵] فضل‌الله، من وحی القرآن، ۱۴ :۱۷۹–۱۸۰؛ ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴ :۱۳۰–۱۳۱؛ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳ :۱۵۵–۱۵۶.

[۵۶] طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳ :۱۵۵–۱۵۶.

[۵۷] طوسی، التبیان، ۶ :۵۰۳؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۶ :۲۷۳؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق التنزیل، ۲ :۶۸۱؛ جعفری، پیام خرد، ۱۰۷–۱۰۸.

[۵۸] جعفری، پیام خرد، ۱۰۷–۱۰۸؛ جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ سیرت الهی انسان در قرآن، ۳۳۶؛ رجبی، انسان‌شناسی، ۳۶۵.

[۵۹] موسوی خمینی، چهل حدیث، ۶۶؛ آداب الصلاه، ۱۴۵–۱۴۷.

[۶۰] موسوی خمینی، تعلیقه عروه، ۲۴۹.

[۶۱] فروغی‌نیا، ملک و حسینی، «نگرشی به مفهوم کرامت انسانی در پرتو اندیشه‌های فقهی اسلامی»، ۱۲۲.

[۶۲] مؤسسه فرهنگی فقه‌الثقلین، رویکردی به حقوق زنان.

نمی‌گیرند. این نتیجه‌گیری مبتنی بر اصول و مبانی متعددی است که هر یک به‌طور دقیق در منابع فقهی و اصولی مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۶/۱ تقریر اول: نفی کرامت ذاتی انسان و پذیرش کرامت اکتسابی

بر مبنایی که کرامت ذاتی را نفی و کرامت را به ایمان، تقوا و التزام به شریعت مشروط می‌داند، تعارض جهاد ابتدایی و کرامت منتفی است؛ زیرا کرامت در این تقریر، امری اکتسابی و وابسته به مراتب معنوی است، نه حقیقتی ذاتی و مشترک میان همه انسان‌ها .بر این اساس، کفار و مشرکان به‌سبب فقدان ایمان و التزام توحیدی، از کرامت اکتسابی برخوردار نیستند و ادله جهاد ابتدایی با این مبنا تعارضی ندارند .این دیدگاه، با استناد به آیاتی چون «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»[۶۳] ایمان و عمل صالح را معیار مراتب کرامت می‌داند و جهاد ابتدایی را در چارچوب تحقق نظام مبتنی بر ایمان و تقوا توجیه می‌کند .

۶/۲ تقریر دوم: اصل کرامت یکی از ادله‌ی وجوب جهاد ابتدایی

در بیان دوم، کرامت انسانی نه‌تنها با جهاد ابتدایی متعارض نیست، بلکه می‌تواند مستند وجوب آن باشد؛ زیرا غایت جهاد، تحقق عدالت، گسترش ایمان و فراهم‌سازی زمینه سعادت و کمال انسانی است و از این منظر، تشریع آن اقدامی در جهت فعلیت‌بخشی به کرامت انسان‌هاست.

این دیدگاه می‌پرسد چرا کرامت کفار و مشرکان غالباً مانع جهاد تلقی می‌شود، اما کرامت مظلومان و مستضعفانی که زیر سلطه نظام‌های ظالمانه و گمراه‌کننده از سعادت و کمال محروم‌اند، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد؟ بر این اساس، جهاد ابتدایی برای مقابله با این بی‌عدالتی‌ها و احقاق حقوق مستضعفان تشریع شده و نه‌تنها با کرامت انسانی ناسازگار نیست، بلکه در راستای تحقق آن، به‌ویژه برای محرومان از امکان دستیابی به سعادت و کمال، ضرورت می‌یابد.

این مبنا به‌طور خاص به مخاطبان اصلی جهاد ابتدایی اشاره می‌کند و این پرسش را مطرح می‌سازد که آیا آیات مربوط به جهاد ابتدایی، شامل تمامی کفار و مشرکین است یا اینکه تنها سران کفر و شرک را در بر می‌گیرد؟ به‌عنوان نمونه، در آیه‌ی کریمه‌ی «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ»،[۶۴] تعابیری نظیر « مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» توسط برخی از مفسرین[۶۵] به سران اهل کتابی تفسیر شده است که علاوه بر انکار حقیقت، نظام‌های ظالمانه‌ای را بر مردم تحمیل کرده‌اند. بر این اساس، این دیدگاه بر این باور است که آیات مربوط به جهاد ابتدایی به‌صورت غالب علیه سران کفر و شرک و کسانی نازل شده است که مانع کمال و کرامت انسانی خود و دیگران می‌شوند. در این رویکرد، توده‌های مردم عادی از اهل کتاب یا حتی مشرکین که در زمره‌ی سران ظلم و گمراهی نیستند، مشمول این احکام نخواهند بود. علاوه بر این، در این بیان بر این نکته تأکید می‌شود که اساساً هدف اصلی جهاد ابتدایی، گسترش عدالت، حفظ حقوق اساسی انسان‌ها و مقابله با موانع سعادت بشری است. این اهداف به‌عنوان شواهدی بر هماهنگی جهاد ابتدایی با اصل کرامت انسانی ارائه شده و این امر به‌ویژه در مواجهه با ظالمانی که به‌طور فعال مانع از تحقق این اهداف شده‌اند، نمود بیشتری پیدا می‌کند.

---

[۶۳] حجرات، ۱۳.

[۶۴] توبه: ۲۹.

[۶۵] طباطبایی المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۳۷/۹؛ طبرسی، مجمع البیان، ۳٤/۵.

به تعبیر دیگر، کرامت انسانی، هم در مفهوم عام و هم در مفهوم خاص خود، به‌عنوان یکی از ادله‌ی وجوب جهاد ابتدایی مطرح می‌شود. چرا که جهاد ابتدایی، حرکتی است برای برداشتن موانع تحقق کرامت انسانی و ایجاد زمینه برای فعلیت‌بخشی به این کرامت در انسان‌ها.

در نتیجه، این دیدگاه جهاد ابتدایی را نه تنها در تعارض با کرامت انسانی نمی‌بیند، بلکه آن را وسیله‌ای برای حفظ و گسترش این اصل اساسی اسلامی می‌داند و مخاطبان اصلی آن را نیز در چارچوبی محدود و مشخص تعریف می‌کند که با مقاصد عدالت‌خواهانه و انسان‌دوستانه‌ی اسلام هم‌خوانی دارد. این جمع توسط برخی از نویسندگان اهل سنت نیز طرح شده است[٦٦]

۶/۳ تقریر سوم: نفی «کرامت» به عنوان یک قاعده

مطابق با این بیان، اساسا دوگانه‌ی کرامت ذاتی و اکتسابی (یا ارزشی) و لزوم پذیرش تنها یکی از آن‌ها، صحیح نیست زیرا این امر مبتنی بر امکان عقلی نفی کرامت ذاتی از انسان است حال آن‌که «کرامت» ارزش افزوده‌ی سبک و مدل خلقت انحصاری انسان و انتزاعی ذهنی از ویژگی‌های ممتاز و ظرفیت‌های بی‌بدیل آفرینش او مانند: اراده، اختیار، قدرت تعقل، توان حل مساله فراتر از حیوانات حتی برخی از گونه‌های شبیه به خود؛ است. آیه‌ای که به صراحت به مساله کرامت انسان اشاره دارد[٦٧] نیز، آن را به خلقت او استناد می‌دهد نه آنکه در عرض ویژگی‌های جسمی-روانی او مفهومی به نام «کرامت» را به صورت تکوینی برای او جعل کرده باشد یا تشریعا از آن اخبار دهد. به دیگر بیان ظرفیت‌های شناختی، ویژگی‌های منحصربه‌فرد فیزیولوژی، امکان دستیابی به عالی‌ترین مراتب کمال، پذیرش هویت‌های اجتماعی ویژه و امثال آن در خلقت خاص انسان؛ منجر به انتزاع مفهومی به نام «کرامت» می‌شود که به معنای برتری داشتن او از سایر مخلوقات است؛ آیا چنین مفهومی قابل سلب از انسان یا نفی است؟ یقینا خیر! چرا که این مفهوم برگرفته از خلقت آدمی است و تا زمانی که او مصداق «انسان» باشد، دارای کرامت است. در نتیجه انسان تا زمانی که انسان است، کرامت دارد و تا این زمان، کرامت او بر شیوه‌ی تعامل و مداخله‌ی در امور فردی و اجتماعی او تاثیر گذار است به نحوی که نباید منجر بر خدشه‌دار شدن این مفهوم شود.[٦٨]

قرآن کریم و سایر منابع اسلامی «کرامت» را با مشخصه‌ی فوق یعنی تکون یافتن این مفهوم از دل مولفه‌های آفرینشی، توصیف کرده‌اند که لازمه‌ی آن شناور و مشکک بودن کرامت در انسان‌های مختلف است[٦٩] تا جایی که با زوال انسانیت در فرد، مفهوم کرامت نیز انتفاء میابد. به عبارت دیگر قرآن کریم، «کرامت» را ملک طلق هر موجودی که ظواهر انسانی دارد، نمی‌داند لذا همانطور که آسیب در یک ظرفیت جسمانی فرد مانند: «لب پیشانی» منجر به کاهش یا حتی از بین رفتن قوای شناخی یا اطلاعات پیشین انسان می‌شود؛ قرآن کریم عواملی را به عنوان کاهش دهنده یا نافی «کرامت» انسان به واسطه کاهش یا زوال مفهوم «انسانیت» در آن‌ها برمی‌شمرد لذا برای تبیین کسر یا نفی کرامت در این افراد، میزان انسانیت و قوای انسانی آن‌ها را توصیف می‌کند. این توصیف در مواردی نفی برخی از قوای انسانی است که نشان از کاهش کرامت انسانی در آن افراد داشته[٧٠] و گاهی اساسا نفی جمیع ویژگی‌های

---

[٦٦] زحیلی، آثار الحرب فی فقه الاسلامی، ۳۱۱.

[٦٧] اسراء، ۷۰.

[٦٨] دهقانی شورکی، مددکاری اجتماعی اسلامی-مبانی نظری، ص١٤٨.

[٦٩] یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم ان الله علیم خبیر. حجرات: ۱۳.

[٧٠] وَ مَثَلُ الَّذینَ کَفَرُوا کَمَثَلِ الَّذی یَنْعِقُ بِمَا لَا یَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَ نِدَاءً صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لَا یَعْقِلُونَ. بقره، ۱۷۱.

انسانی بوده که بیانگر فقدان هرگونه کرامتی برای این افراد است.[۷۱] به عبارت تخصصی‌تر نفی کرامت ذاتی از انسان اساسا امکان ندارد، لذا تشکیک در کرامت یا نفی آن صرفا با تصرف در مفهوم انسانیت به نحو «حکومت»[۷۲] یا «ورود»[۷۳] ممکن است. در نتیجه مطابق با منطق اسلامی –قرآنی، انسان به واسطه‌ی این‌که خلقت منحصربه‌فرد دارد، دارای کرامت است و با توجه به این‌که مقوله‌ی انسانیت مقوله‌ای تشکیکی است، کرامت انسان نیز، مشکک است.

این دیدگاه مستلزم آن است که «کرامت انسانی» گرچه قاعده‌ای برای کشف گزاره‌های دینی و مبانی اسلامی است اما مانند سایر قواعد فقهی دارای دو ویژگی است: الف: شریعت مجاز است موضوع قاعده‌ی «کرامت» که همانا «انسان» است را سعه یا ضیق نماید؛ ب: قاعده‌ی فقهی کرامت، نفی احکام و گزاره‌هایی که اساسا با هدف نفی کرامت در برخی از مصادیق انسان آمده است را نکرده و نمی‌تواند آن‌ها را تخصیص بزند همانگونه که قاعده‌ای چون «لاحرج».[۷۴] نمی‌تواند، احکامی چون «جهاد» را که در ذات خود حرجی هستند را تقیید کند[۷۵] به بیان دیگر، تفقه در دین و فهم گزاره‌های دینی نص‌محور است، نه کرامت‌محور؛ ولی در احکام الهی، حرمت و کرامت انسانی، مورد نظر شارع مقدس بوده است. ازاین‌رو، می‌توان ادعا کرد در دَوَران بین سایر اصول و اصل کرامت، ادله کرامت انسانی به‌عنوان یک اصل اوّلی، مقدم هستند؛ هرچند این اصل، مادامی معتبر خواهد بود که دلیل اجتهادی معتبری بر خلاف آن وجود نداشته باشد. برای مثال در آیه ۲۹سورهٔ مبارکه توبه، دستور به اخذ جزیه از اهل کتاب با ذلت داده شده است و اساساً این دستور که صراحت در تصغیر و تحقیر اهل کتاب در پرداخت جزیه دارد، نمیتواند با اصل کرامت تخصیص بخورد. از سوی دیگر، با توجه به همنوایی احکام الهی با رعایت حرمت و کرامت انسانی، می‌توان ظهور ادله این اصل را همانند ظهور سایر نصوص شرعی تلقی کرد.[۷۶]

۷ جمع دوم؛ «حکومت» یا «محدودسازی موضوع و مصادیق جهاد ابتدایی»

راهکار نخست برای جمع که پیش‌تر بیان شد، بر این فرض استوار بود که اساساً تعارضی میان جهاد و کرامت وجود ندارد. اما حتی اگر آن مبنا را نپذیریم و بپذیریم که «کرامت انسانی» خود یک قاعده‌ی فقهی مستقل است و می‌تواند سایر احکام شرعی را محدود یا گسترش دهد، باز هم می‌توان ادعا کرد که جهاد ابتدایی با کرامت انسانی در تعارض نیست.[۷۷]

---

[۷۱] وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لجَهَنَّمَ كَثِيراً منَ الْجن وَالْإِنْس لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصرُونَ بهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بهَا أُولَئكَ كَالْأَنْعَام بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئكَ هُمُ الْغَافلُونَ. اعراف، ۱۷۹.

[۷۲] هیثم، *مصطلح الاصول*، ۱۵۷.

[۷۳] هلال، *فقه حقوق الإنسان فی الإسلام*، ۳۵۵.

[۷۴] مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، *فرهنگ نامه اصول فقه*، ٦٢٥.

[۷۵] نراقی، *عوائد الأیام*، ۱۸۹. نجفی، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ٧٤٦/٢. مکارم شیرازی، *القواعد الفقهیه*، ۱۸۹/۱.

[۷۶] ستوده و طوسی، « بررسی و تحلیل جایگاه کرامت در تدوین قانون؛ با تأکید بر مصادیق ختم حیات»، ۱۱۱.

[۷۷] قماشی، *کرامت انسانی، راهبرد استنباط احکام شریعت*، ۸۵.

توضیح آنکه، فقیهی که «کرامت» را به‌عنوان یک قاعده پذیرفته، قاعدتاً قواعد دیگری مانند عدالت[۷۸] و نفی تنفیر،[۷۹] را نیز معتبر می داند.[۸۰] عدالت در اینجا به معنای پرهیز از هرگونه ظلم و تعدی است و قاعده‌ی نفی تنفیر نیز بر لزوم اجتناب از اقداماتی تأکید دارد که موجب انزجار و بیزاری از دین می‌شود. بنابراین، هرگونه جهاد ابتدایی که این دو قاعده را نقض کند، فاقد مشروعیت خواهد بود.[۸۱]

در حقیقت، خود نصوص قرآنی مرتبط با جهاد نیز، آن را به مجموعه‌ای از ضوابط و شروط مقید کرده‌اند که رعایت همان‌ها، هرگونه شائبه‌ی تعارض میان جهاد و کرامت انسانی را از میان برمی‌دارد. به‌عنوان نمونه:

- مهلت برای آگاهی‌بخشی: دعوت کفار به حق و ارائه فرصت کافی برای پذیرش حقیقت، پیش‌شرط هرگونه اقدام عملی است.[۸۲]
- پذیرش جزیه: توقف جهاد در صورت پذیرش جزیه، حاکی از عدم تمایل شریعت به اعمال زور در مواجهه با کسانی است که حاضر به تعامل مسالمت‌آمیز باشند.[۸۳]
- تفکیک میان سران کفر و عموم مردم: در جهاد ابتدایی، هدف‌گیری متوجه رهبران کفر و معاندان سرسخت است و توده‌های مردم، که ممکن است از سر جهل یا اکراه در کفر باقی مانده باشند، از این دایره خارج‌اند.[۸۴]

برای روشن‌تر شدن این مطلب، می‌توان به مثال مشهور اصولی در باب «لا شک لکثیرالشک» اشاره کرد. در این قاعده، گفته می‌شود که «لا شک» بر موضوع «کثیرالشک» حکومت دارد و او را از حالت شاکّ بودن خارج می‌کند؛ به‌گونه‌ای که بالحکومه، کثیرالشک اصلاً شاکّ محسوب نمی‌شود، هرچند که در ظاهر و به‌حسب وجدان عرفی، حالت شک برای او وجود داشته باشد.[۸۵]

ضوابط سه‌گانه مهلت، جزیه و تفکیک، به‌عنوان قواعد حاکم بر جهاد، آن را از «تحمیل ایمان» به «دعوت هدفمند برای رفع موانع هدایت» در چارچوب احترام به اختیار و کرامت انسانی تبدیل می‌کنند. بنابراین، هرچند این اقدام ممکن است عرفاً اجبار تلقی شود، از منظر فقهی و اصولی، حکومت ضوابط یادشده بر اصل جهاد، آن را از اجبار مذموم متمایز و در قالب دعوتی مشروط، عدالت‌محور و همراه با امکان انتخاب آگاهانه بازتعریف می‌کند.

---

[۷۸] قاعده عدالت در اندیشه فقهی اسلامی، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین، بر اجتناب از هرگونه ظلم و تعدی تأکید دارد و هر حکمی که مصداق ظلم باشد، نمی‌تواند اسلامی تلقی شود (امام خمینی، کتاب البیع، ۶۱۸/۲-۶۱۹؛ امام خمینی، صحیفه‌ی نور، ۴۰۵/۲۱).

[۷۹] برخی «نفی تنفیر» را در فقه به عنوان یک قاعده تلقی کرده و معتقدند این قاعده بر لزوم پرهیز از اقداماتی تأکید می‌کند که موجب انزجار یا تنفر از دین شود. برای مثال، امام خمینی (ره) تصریح کرده است که امر به معروف و نهی از منکر زمانی واجب است که به وهن و نفرت از دین نیانجامد (امام خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۷۹ش، ص۳۶۵).

[۸۰] ایازی، *کرامت انسانی در اندیشه اسلامی*، ۳۱-۵۰. نوبهار، *عدالت در فقه اسلامی*، ۱۳۵.

[۸۱] محمد بیکی و توتونچیان، «بررسی قاعده‌ی عدالت از دیدگاه فقه امامی».

[۸۲] اسراء، ۱۵؛ نحل، ۱۲۵.

[۸۳] توبه، ۲۹.

[۸۴] آیه، ۱۲.

[۸۵] جلالی مازندرانی، المحصول فی علم الاصول، ۱۴۴/۴.

۸ جمع سوم؛ اعمال قواعد باب تعارض

در مواجهه با فرض تعارض مستقیم میان اصل کرامت انسانی به‌عنوان یکی از مبانی اساسی در شریعت اسلام و وجوب جهاد ابتدایی به‌عنوان حکمی شرعی، و در شرایطی که امکان رفع تعارض از طریق مراحل پیشین وجود نداشته باشد، لازم است به ادله این دو اصل بازگشت نمود و قواعد اصولی رفع تعارض را مطابق با مبانی دقیق اجتهادی تطبیق داد.

ادله وجوب جهاد ابتدایی:

برخی از فقیهان و اصولیان، عقل عملی را مستند این وجوب دانسته‌اند.[۸۶] گروهی دیگر، سیره عقلا را به‌عنوان دلیل حجیت این حکم تلقی کرده‌اند.[۸۷] عده‌ای نیز به آیات و روایات متواتر یا مستفیض در این باب استناد کرده‌اند.[۸۸]

ادله اصل کرامت انسانی:

شماری از متفکران اسلامی، فطرت انسانی را منبع اصلی این اصل برشمرده‌اند.[۸۹] برخی دیگر، به نصوص قرآنی و روایی در اثبات کرامت انسانی تمسک کرده‌اند.[۹۰]

با توجه به تفاوت در نوع ادله مستند هر یک از دو اصل، نوع تعامل و ترجیح میان آن‌ها از حیث اصولی متفاوت خواهد بود. در ادامه، به تحلیل دقیق برخی از فرض‌های محتمل پرداخته می‌شود:

۸/۱ تعارض میان سیره عقلا و فطرت:

با توجه به ذاتی و ثبات فطرت و تجلی عملی آن در سیره عقلا، تعارض این دو قابل تصور نیست؛ زیرا فطرت منشأ اصول اخلاقی ثابتی چون عدل و احسان است و سیره، مظهر متغیر آنها در تعاملات اجتماعی. بنابراین، تقدم فطرت بر سیره، از باب «تقدم اصل بر مظهر» است، نه رفع تعارض؛ چراکه سیره بدون پشتوانه فطری، اعتبار عقلایی نمی‌یابد. بر این اساس، این دو هم‌راستا هستند و در صورت تعارض هر دلیل با حکم فطری، مشروط به احراز شرایط استنتاج حکم فطری، فطرت مقدم خواهد بود.[۹۱]

۸/۲ تعارض میان عقل و آیات و روایات:

در صورتی که عقل به‌عنوان دلیل وجوب جهاد ابتدایی و آیات و روایات به‌عنوان دلیل کرامت انسانی مطرح شوند، مرجعیت اصولی دلالت نصوص شرعی بر حکم عقل عملی یا نظری بسته به قطعیت و ظنیت دلالت هر یک تحلیل می‌شود. اگر دلالت نصوص یقینی باشد، حجیت آن بر عقل مقدم است، و اگر دلالت نصوص ظنی باشد، حکم عقل در صورتی که قطعی باشد، مرجح خواهد بود.[۹۲]

---

[۸۶] حقیقت، «جهاد ابتدایی از نگاه فقه شیعه»، ۹.

[۸۷] سیره‌ی عقلایی عبارت است از روش جهان‌شمول عقلا در گسترش باورهای خود از طریق ابزارهای گوناگون (رسانه، تهدید، حمله و...)، که فارغ از انگیزه‌های مادی یا معنوی فاعلان، یک بنای عقلایی محکم است. این سیره، با ضمیمه‌ی عدم ردع و امضای تقریری شارع (که از آیات و سیره‌ی عملی پیامبرﷺ احراز می‌شود)، به‌عنوان یک منبع مستقل استنباط، بر مشروعیت جهاد ابتدایی دلالت دارد. هاشمی، تقریرات دروس تمهیدیه خارج، ۸۵.

[۸۸] مومن قمی، درس خارج فقه جهاد ابتدایی، ۱۷۵.

[۸۹] وزیری و عابدی، ساخت قاعده فقهی کرامت، ١٤٤.

[۹۰] خادمی کوشا، «ملازمه کرامت انسان با حکم شرعی و راه شناخت مصادیق آن در استنباط فقهی»، ۱۸.

[۹۱] خمینی، القواعد الفقهیه و الاجتهاد و التقلید، ١٦٥/٣.

[۹۲] انصاری دزفولی، فرائد الاصول، ٤٥/١.

چنانچه ادله جهاد ابتدایی و کرامت انسانی هر دو نقلی باشند، قواعد ترجیح در باب تعارض، از جمله شهرت فتوایی، موافقت با کتاب، مخالفت با عامه و قوت دلالت، اعمال می‌شوند.[۹۳] در این میان، نصوص کرامت، مانند «وَلَقَدْ كَرَّمْنا بَنی‌آدَمَ» و «لا إِكْراهَ فِی الدِّین»، به‌سبب شمول گسترده‌تر، سازگاری بیشتر با مقاصد شریعت (حفظ کرامت، آزادی عقیده و نفی تنفیر) و تأکید برخی فقیهان معاصر بر اولویت آنها در تخصیص حکم جهاد، از ظرفیت ترجیح برخوردارند.

بر این اساس، می‌توان نصوص کرامت را حاکم بر نصوص جهاد دانست؛ درنتیجه، جهاد ابتدایی به ضوابط کرامت‌محور، شامل مهلت، جزیه، تفکیک سران از توده مردم و نفی تنفیر، مقید می‌شود و هرگونه جهاد ناقض این ضوابط، نامشروع خواهد بود. بدین‌ترتیب، نصوص کرامت نه اصل جهاد، بلکه دامنه مشروعیت آن را تحدید می‌کنند.

۸٫۳ تعارض میان سیره عقلا و ادله نقلی:

در صورتی که دلیل جهاد ابتدایی سیره عقلا و دلیل کرامت انسانی نصوص نقلی باشد، به‌واسطه قاعده تقدم نصوص شرعی بر دلیل عقلی ظنی، دلیل کرامت انسانی اولویت می‌یابد، مگر اینکه نصوص از دلالت قطعی برخوردار نباشند و سیره عقلا به قطعیت رسیده باشد.[۹۴]

۸٫۴ تعارض میان عقل و فطرت:

تعارض عقل، به‌عنوان مستند جهاد ابتدایی، و فطرت، به‌عنوان مستند کرامت انسانی، به‌مثابه دو حجت باطنی، بی‌معناست و فرض اثباتی ندارد .در بررسی تعارض ادله این دو حکم، با اولویت معرفتی فطرت و نصوص قطعی بر سایر مستندات و در صورت تعذر جمع عرفی، می‌توان ادله کرامت را مقدم دانست و وجوب جهاد را به شرایط و مقتضیات زمانی-مکانی خاص مقید کرد .

اشکال آن است که چنین تقدیمی چه مجالی برای تشریع و فعلیت جهاد ابتدایی باقی می‌گذارد؟ پاسخ آنکه این تحلیل، ناظر به فرض تعارض ادله است، نه نفی اصل حکم؛ به‌ویژه در فرضی که مستند جهاد، صرفاً دلیل عقلی غیرقطعی باشد. ازآنجاکه ادله جهاد به عقل منحصر نیست و در صورت اتکای آن به نصوص معتبر یا سیره قطعی عقلایی، ممکن است اساساً تعارضی شکل نگیرد، تقدم ادله کرامت صرفاً در موارد خاص تعارض و فقدان نص قطعی مطرح است. بنابراین، نتیجه این تقریر، نه تعطیل جهاد، بلکه تحدید و زمان‌مندسازی فعلیت آن بر اساس ضوابط کرامت‌محور شریعت است.

۹ نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: ۱) تعارض ماهوی جهاد ابتدایی و کرامت انسانی، بیش از آنکه ذاتی باشد، از تفکیک‌نکردن سطوح و کارکردهای کرامت در منظومه معرفتی اسلام ناشی می‌شود. تمایز میان کرامت ذاتی، به‌مثابه حیثیت مشترک و سلب‌ناپذیر انسان‌ها، و کرامت اکتسابی، به‌عنوان غایت تربیتی و هدایتی شریعت، امکان عبور از این دوگانه‌سازی را فراهم می‌کند. موضع مختار نگارنده، نفی قاعده‌بودن کرامت است؛ بدین معنا که کرامت قرآنی، ارزش افزوده‌ای برخاسته از خلقت ویژه انسان است که در جعل احکام لحاظ شده، نه قاعده‌ای مستقل در عرض سایر قواعد فقهی. این کرامت تا زمانی که انسانیت فرد محفوظ است، سلب‌ناپذیر است؛ اما این امر لزوماً به معنای استقلال آن به‌عنوان قاعده‌ای فقهی برای تخصیص یا تقیید احکام صریح شرعی، از جمله جهاد، نیست.

---

[۹۳] آخوند خراسانی، کفایة الأصول.

[۹۴] لجنه فقه معاصر، الفائق فی اصول الفقه، ۱۱۷.

بااین‌حال، برای بررسی جامع فروض ممکن، تقریرهای مختلف قاعده‌انگاری کرامت نیز تبیین و نقد شدند. نتایج نشان داد حتی با پذیرش قاعده‌بودن کرامت، الگوی «حکومت ضوابط سه‌گانه مهلت، جزیه و تفکیک بر اصل جهاد» از انسجام و قدرت تبیینی بیشتری برخوردار است. بر این مبنا، مشروعیت جهاد ابتدایی نه بر گسترش قهری حاکمیت، بلکه بر رفع موانع آزادی هدایت، فراهم‌سازی امکان گفت‌وگو و صیانت از حق انتخاب انسان استوار است؛ مشروط بر اتمام حجت، تمرکز بر ساختارهای سرکوبگر به‌جای عموم مردم و رعایت اصولی چون نفی تنفیر و مصلحت‌سنجی کلان نظام اسلامی. ۲) دستاورد اصلی پژوهش، تبیین نسبت جهاد ابتدایی و کرامت انسانی در فقه امامیه نه به‌صورت تعارض، بلکه در رابطه «اصل و ظرفیت‌سازی» است: کرامت، ملاک غایت‌شناختی شریعت، و جهاد، ابزاری هدفمند و مشروط برای رفع موانع تحقق آن غایت است. این قرائت، زمینه فهمی انسان‌محور از فقه سیاسی اسلام را فراهم می‌کند که حفظ حیثیت انسانی، آزادی انتخاب و امکان رشد اخلاقی انسان‌ها را در کانون تحلیل قرار می‌دهد. در پژوهش‌های آینده، پیشنهاد می‌شود مسئله به‌صورت اثباتی و علی‌المبنا بررسی شود؛ بدین‌ترتیب که مبانی فقیهان برجسته درباره کرامت و جهاد مستقلاً بازسازی و نسبت این دو مفهوم در دستگاه اجتهادی هر یک استخراج و تحلیل گردد. چنین رویکردی می‌تواند گفت‌وگوی علمی در فقه سیاسی معاصر را تعمیق بخشد و به تبیین قرائت‌هایی دقیق‌تر، شفاف‌تر و عقلانی‌تر از احکام اجتماعی اسلام بینجامد.

نسخه پیش انتشار

۱. قرآن کریم.

۲. ابن‌ادریس، محمد بن احمد .السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی .ج۲. ۱۴۱۰ق.

۳. ابن‌براج، عبدالعزیز .المهذب .ج۱. ۱۴۰۶ق.

٤. حقیقت‌پور، حسین، محمدحسن حائری، و احسان علی‌اکبری بابوکانی. ۱۳۹۲ .***کرامت انسان در فقه و حقوق اسلامی***. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

۵. حقیقت‌پور، حسین، و حسین ناصری مقدم. ۱۳۹۲. «جایگاه کرامت انسان در فرایند استنباط احکام» .***فقه و اصول*** (دانشگاه فردوسی مشهد) ۴۵ (۹۴): ۲۵-۴۲.

٦. وزیری، مجید، و محجوبه عابدی. ۱۳۹۵. «ساخت قاعده فقهی کرامت» .***پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*** ۱۲ (۴۴): ۱۳۹-۱۶۲.

۷. موسوی خمینی، سیدروح‌الله. التعلیقة علی العروة الوثقی. تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی سلام الله علیه، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.

۸. جلالی مازندرانی، محمود. المحصول فی علم الاصول. قم: موسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ١٤١٤ق.

۹. سبحانی تبریزی، جعفر. الرسائل الأربع (قواعد اصولیة و فقهیة). قم: چاپ اول، ١٤١٥ ق.

۱۰. ابن‌عاشور، محمد طاهر .التحریر والتنویر .بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.

۱۱. ابن‌منظور .لسان العرب .بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.

۱۲. ابوالصلاح حلبی، تقی‌الدین .الکافی فی الفقه .بی‌تا.

۱۳. فیاض، محمدصادق و مصطفی جعفرپیشه. «تأملی بر نسبت جهاد ابتدایی و تبلیغ دین»، دوفصلنامه علمی ـ پژوهشی قرآن، فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۱۴، فروردین ١٤٠٠، ١٢٤.

١٤. اخوت، وحید و حامد دهقانی فیروزآبادی. «ریشه‌های عقلایی جهاد ابتدایی در زندگی عرفی عرب پیش از اسلام و بازتاب آن در قرآن کریم»، مجله‌ی پژوهش‌های قرآن و حدیث، دوره ۵۸، شماره ۱، بهار و تابستان ١٤٠٤، ١٧٥تا ١٩١.

۱۵. فخلعی، محمدتقی. «تأملی درباره جهاد ابتدایی دعوت»، فقه و اصول، دوره ۵۲، شماره ۷۷، سال۱۳۹۹، ۱۱۷ تا ۱۵۵.

١٦. جوادی آملی، عبدالله. فلسفه حقوق بشر.قم: اسراء، چاپ بیستم، ۱۳۸۸.

۱۷. آخوند خراسانی، محمدکاظم. کفایة الأصول. قم: مؤسسه آل البیت(ع) لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

۱۸. انصاری دزفولی، مرتضی. فرائد الأصول (الرسائل). قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.

۱۹. انصاری، ابوالقاسم .الموسوعة الفقهیة المیسره .ج۴. ۱۴۱۵ق؛ صرامی، عدالت‌نژاد. «جهاد». ج۱۱. ۱۳۸۶ش.

۲۰. ایازی، سید محمدعلی .قاعده حرمت تنفیر .قم: انتشارات فقه الثقلین، ۱۴۰۲ق.

۲۱. بهجت، محمدتقی (گیلانی فومنی). جامع المسائل (بهجت). قم: دفتر معظم له، چاپ دوم، ۱۴۲۶ق.

۲۲. بهرامی، محمود .نظام سیاسی اجتماعی اسلام .۱۳۸۰ش.

۲۳. جاوید، محمدجواد، و علی محمددوست. «حقوق بشر معاصر و جهاد ابتدایی در اسلام معاصر] «.نام نشریه و مشخصات انتشار نامشخص.[

٢٤. جعفری، محمدتقی .پیام خرد .تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه محمدتقی جعفری، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.

۲۵. جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی. معجم فقه الجواهر. بیروت: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت(ع)، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۲٦. جوادی آملی، عبدالله .تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ سیرت الهی انسان در قرآن .قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۵ش.
۲۷. حسینی، محمد .الدلیل الفقهی: تطبیقات فقهیة لمصطلحات علم الأصول .دمشق: چاپ اول، ۲۰۰۷م.
۲۸. حقیقت، سیدصادق. «جهاد ابتدایی از دیدگاه فقه شیعه». شیعه‌شناسی. سال نوزدهم، شماره ۷۵، پاییز ۱۴۰۰.
۲۹. حکیمی، محمد .امام رضا (ع) و کرامت انسانی .مشهد: به‌نشر، چاپ هفتم، ۱۴۰۱.

۳۰. خادمی‌کوشا، محمدعلی. «ملازمه کرامت انسان با حکم شرعی و راه شناخت مصادیق آن در استنباط فقهی». فقه و اصول. دوره ۱۰، شماره ۳۵، تابستان ۱۴۰۲.
۳۱. خامنه‌ای، سید علی .رساله‌ی آموزشی .ج۱. ۱۳۹۸ش.
۳۲. خمینی، سید روح‌الله موسوی .تحریر الوسیلة .۲ جلد. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول، بی‌تا.
۳۳. خمینی، سید روح‌الله موسوی .کتاب البیع .۵ جلد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۳٤. خمینی، سید روح‌الله. القواعد الفقهیة والاجتهاد والتقلید (تقریرات درس آیت‌الله سبحانی). مقرر: جعفر سبحانی. قم: دارالفکر، چاپ اول، ۱۳۸۲ق.
۳۵. خمینی، سید روح‌الله. تحریر الوسیلة. قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، چاپ اول، ۱۳۷۹ش، جلد ۱.
۳٦. خمینی، سید روح‌الله. صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی(س) (تدوین و تنظیم مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ش.
۳۷. خویی، سید ابوالقاسم .منهاج الصالحین .ج۱. ۱۴۱۰ق.
۳۸. دفتر حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی .جهاد ابتدایی .بی‌تا.
۳۹. دهقان سیمکانی، رحیم. «اخلاق‌محوری یا باورمحوری؟ تحلیلی انتقادی از حکمت جهاد ابتدایی «.نقد و نظر، سال ۲۵، شماره ۱ (پیاپی ۹۷)، بهار ۱۳۹۹.

٤۰. دهقانی شورکی، محمد. مددکاری اجتماعی اسلامی: مبانی نظری. قم: اورستان، چاپ اول، ۱۴۰۳ش.
۴۱. ذوقی، امیر. «رابطه‌ی جهاد و اصل کرامت و اختیار انسان از دیدگاه قرآن و شریعت اسلام «.بلاغ مبین، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۸۷: ۳۱-۵۸.

٤۲. رجبی، محمود .انسان‌شناسی .قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
٤۳. زبیدی واسطی، مرتضی .تاج العروس من جواهر القاموس .قم: انتشارات دارالفکر، بی‌چا، بی‌تا.
۴۴. الزحیلی، وهبه، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.

٤۵. زمخشری، محمود بن عمر .الکشاف .به تصحیح مصطفی حسین احمد. بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۴۶. زویری، احلام حمید .کرامت انسان از منظر آیات و روایات .تهران: پژوهندگان راه دانش، ۱۴۰۲.

٤۷. ستوده، حمید و محمدجواد طوسی. «بررسی و تحلیل جایگاه کرامت در تدوین قانون؛ با تأکید بر مصادیق ختم حیات». فلسفه حقوق. سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱.
٤۸. سلار دیلمی، حسن بن علی .المراسم فی الفقه الإمامی .۱۴۰۴ق.

٤٩. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی .الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة .ج۲. ۱۴۱۰ق.
۵۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن .المبسوط فی فقه الإمامیة .ج۲. ۱۳۸۷ق.
۵۱. شیخ مفید، محمد بن محمد .المقنعة .۱۴۱۰ق.
۵۲. شیرین‌کار موحد، محمد، محسن قاسم‌پور، و مصطفی عباسی‌مقدم. «بررسی تأثیر مبنای کرامت ذاتی انسان در تفسیر آیات جهاد با تأکید بر دیدگاه اندیشمندان سده اخیر «.تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال ۱۸، شماره ۱ (پیاپی ۴۹)، بهار ۱۴۰۰.

۵۳. صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله .جهاد در اسلام .۱۳۸۶ش.
٥٤. صرامی، عدالت‌نژاد. «جهاد» .دائرةالمعارف بزرگ اسلامی .ج۱۱، ۱۳۸۶ش.
۵۵. طباطبایی، سید محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، جلد ۹.
٥٦. طباطبایی، سید محمدحسین .المیزان فی تفسیر القرآن .قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۵۷. طبرسی، فضل بن حسن .مجمع البیان فی تفسیر القرآن .بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۵۸. طریحی، فخرالدین .مجمع البحرین .بی‌چا، بی‌جا، بی‌تا.
۵۹. طوسی، محمد بن حسن .التبیان فی تفسیر القرآن .بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌چا، بی‌تا.
۶۰. عظیمی طرقدری، محمد، و شهروز شریعتی. «نسبت‌سنجی جنگ و کرامت انسان در اسلام شیعی.» مطالعات دفاعی استراتژیک، دوره ۱۶، شماره ۷۱، ۱۳۹۷.

٦١. علامه حلی، حسن بن یوسف .تذکرة الفقهاء .ج۹. ۱۴۱۴ق.
۶۲. سیفی مازندرانی، علی اکبر، دلیل تحریر الوسیلة – ولایة الفقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران، ایران، چاپ دوم، ۱۴۲۸ ق، ص ۱۱۳.

٦٣. عمید زنجانی، عباسعلی .فقه سیاسی .ج۳. ۱۳۷۷ش.
۶۴. فرهمندپور، فهیمه، و علی‌اصغر شاهسون. «بررسی تاریخی جهاد ابتدایی در عصر رسول خدا (ص) «.تاریخ اسلام و ایران، دوره ۲۹، شماره ۴۱ (پیاپی ۱۳۱)، خرداد ۱۳۹۸: ۹۱-۱۱۶ .

٦٥. فروغی‌نیا، حسین، ملک، سحر و حسینی، فائزه‌السادات. «نگرشی به مفهوم کرامت انسانی در پرتو اندیشه‌های فقهی اسلامی .«پژوهش‌های حقوقی قانون یار، شماره ۵، بهار ۱۳۹۸ش.
٦٦. فضل‌الله، سید محمدحسین .تفسیر من وحی القرآن .بیروت: دار الملاک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ق.
٦٧. قماشی، سعید. «کرامت انسانی، راهبرد استنباط احکام شریعت .«فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۴۸، شماره ۱. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۴ش.
٦٨. کاشف‌الغطاء، جعفر. کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
٦٩. کلانتر، سید محمد. حاشیه الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه (المحشی بکلانتر). قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۹ش.

۷۰. کلانتر، سید محمد، حاشیه الروضه البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی بکلانتر). تحقیق و تعلیق: کلانتر، سید محمد. قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۷۱. محقق حلی، جعفر بن حسن .شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام .ج۱. ۱۴۰۸ق.
۷۲. محمدبیکی، علیرضا و توتونچیان، مهری. «بررسی قاعده‌ی عدالت از دیدگاه فقه امامیه .«مطالعات فقه اقتصادی، دوره ۱، شماره ۳، ۱۳۹۸ش.
۷۳. محمدبیکی، علیرضا و توتونچیان، مهری. «بررسی قاعده‌ی عدالت از دیدگاه فقه امامیه» .مطالعات فقه اقتصادی، ۳، ۱۳۹۸ش.
۷٤. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی .فرهنگ‌نامه اصول فقه .قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۷۵. مصباح یزدی، محمدتقی .اخلاق در قرآن .ج۳. ۱۳۹۱ش.
۷٦. مصباح یزدی، محمدتقی .جنگ و جهاد در قرآن .۱۳۸۳ش.
۷۷. مکارم شیرازی، ناصر .القواعد الفقهیة .قم: مدرسه امام‌علی‌بن‌ابی‌طالب (ع)، چاپ سوم، ۱۴۱۱ق.
۷۸. منتظری، حسینعلی .حکومت دینی و حقوق انسان؛ پاسخ به پرسش‌هایی پیرامون مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر . ۱۳۸۷ش.
۷۹. منتظری، حسینعلی .دراسات فی ولایة الفقیه .ج۱. ۱۴۰۹ق.
۸۰. منتظری، حسینعلی .مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر .۱۴۲۹ق.
۸۱. مؤسسه فرهنگی فقه الثقلین .رویکردی به حقوق زنان .قم: فقه الثقلین، چاپ اول، ۱۳۹۸ش.
۸۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله .آداب الصلاة .تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۸ش.
۸۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله .شرح دعاء السحر .تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ش.
۸٤. مومن قمی، محمد. درس‌های خارج فقه (جهاد ابتدایی). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ق.
۸۵. مؤمن قمّی، محمد. کلمات سدیدة في مسائل جدیدة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۸٦. مؤمن، محمد. «جهاد ابتدایی در عصر غیبت». بی‌تا.
۸۷. نجفی، محمدحسن .جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام .ج۲۱. ۱۳۶۲ش.
۸۸. نراقی، ملا احمد .عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام .قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۸۹. نوبهار، رحیم. «بررسی قاعده فقهی حرمت تنفیر از دین .«تحقیقات حقوقی (یادنامه دکتر شهیدی)، شماره ۱، ۱۳۸۴ش.
۹۰. هاشمی، سید محمد مهدی. تقریرات دروس تمهیدیه خارج (فقه جهاد). مشهد: مؤسسه آموزش عالی فقه علی بن موسی الرضا(ع)، ۱۴۰۳ش.
۹۱. هلال، هیثم .معجم مصطلح الأصول .بیروت: دارالجلیل، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۹۲. وزیری، مجید و محبوبه عابدی. «ساخت قاعده فقهی کرامت». پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی. سال دوازدهم، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۵.